٣٤- ای ياران جانی عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٣٤- ای ياران جانی عبدالبهاء

ای ياران جانی عبدالبهاء، هر دم آرزوی آن دارم که بياد شما پردازم و نامه نگارم و زبان بنعت و ستايش بگشايم. زيرا بندگان درگاه اسم اعظميد و عاشقان روی جمال قدم مشتاق جمال دلبر عالميد و آشفتهٔ موی شاهد انجمن سزاوار هر نعت و ستايشيد و لايق هر موهبت در جهان آفرينش. زيرا از دست ساقی هدايت باده عنايت نوشيديد و از جام کلام حضرت احديّت جرعه ذوق محبّت چشيديد ديده را بمشاهدهٔ تجلّی نور و شعله طور روشن کرديد و خيابان دل را بطرّاحی گلهای معانی غبطه گلزار و چمن نموديد عاکف حرم ذوالجلاليد و مقيم درگاه جمال بيمثال سرگشتهٔ کوی ياريد و گمگشته بيابان دلبر آفاق. پس بشکرانه اين فضل بی‌منتهی آهنگ سرور بلند کنيد و از فضل موفور مجلّی طور دم زنيد و در قطب امکان علم افرازيد و دمبدم قدم ثابت و راسختر نمائيد محفل تبليغ بيارائيد و غافلان را بصبح هدی دلالت کنيد بيچارگان را ملجأ و مأوی گرديد و آوار‌گان را ملاذ و پناه دشمنان را بنوازيد و بظلم و جهل و تطاول ايشان بسازيد و در اين گلشن سرای الهی بلحن خوشی بنوازيد و آغاز طرب نمائيد تا ديگران را بوجد و وله آريد تا طيور مهجور بگلشن الهی پی برند و بشاخسار معنوی هدايت يابند. اليوم تبليغ يرليغ تأييد است و نشر نفحات سبب حصول آيات بيّنات.

